



یک سال از شروع «برجام» می‌گذرد. در این یک سال همان‌طور که «مانسو»، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اظهار داشت، «پایبندی ایران به تعهداتش فراتر از توافقات رسمی‌اش با آژانس بوده‌است». بالعکس، طرف مقابل یعنی آمریکا‌یی‌ها، همان‌طور که رهبر انقلاب پیش‌بینی می‌کردند، در بسیاری موارد متعهد به این سند نبوده‌اند. رفتار خصمانه این کشور نسبت به تجارت بین‌المللی با ایران و ایجاد التهاب نسبت به تجارت با به‌صورت نمونه‌ای از ادامه دشمنی‌هاست، و بعید هم هست که این رفتار خصومت‌آمیز و دشمنی پایان یابد. در حقیقت حالا بعد از گذشت یک سال از توافق برجام، بهتر می‌توان فهمید که «هسته‌های پنهان است» و آمریکا‌یی‌ها پشت این توافق، به موضوعات مهم‌تر دیگری می‌اندیشیده‌اند. به‌طور کلی می‌توان مدل رفتاری آمریکا‌یی‌ها در قبال ایران را به‌صورت یک هرم ترسیم کرد که در رأس این هرم، «تغییر رژیم» قرار دارد که طی هیچ دوره زمانی از رفتار آمریکا‌یی‌ها نسبت به ایران کنار گذاشته نشده، اگرچه روش‌ها و تاکتیک‌های آن تغییراتی داشته است. در پایین این هرم نیز مدل‌های دیگر رفتاری آمریکا‌یی‌ها نسبت به ایران کنار گذاشته نشده، «ایندولوزی‌زایی» از رفتار ایران» و «حفظ وضعیت هشدار برای مبادلات تجاری و اقتصادی».

۱- **تغییر رژیم**

آمریکایی‌ها از دیرباز آرزوی تغییر رژیم ایران را در سر داشته‌اند. هرچند به مقتضای زمان، از عباراتی چون تغییر رژیم، تغییر رفتار و تغییر محتوای نظام جمهوری اسلامی سخن گفته‌اند، اما هیچ‌گاه نسبت به انجام آن مماشات نکرده‌اند. در همین چند روز

**دکتر حسن خلیل‌خلیلی:** بنا به گزارش کارشناسان «بیش از ۹۰ درصد خصوصی‌سازی‌هایی که تاکنون انجام شده، ظاهری بوده است!» ورشکستگی حالت یک بازرگان یا شرکت تجاری است که از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان شده و نمی‌تواند پیمان‌های بازرگانی خود را عملی کند. اما چرا بسیاری از شرکت‌هایی که خصوصی شده‌اند، پس از مقطعی اعلام ورشکستگی کرده یا به‌طور پنهان ورشکسته‌اند؟ تعیین دلایل با دلایل دقیق ورشکستگی و مشکلات مالی در هر مورد خاص، کار آسانی نیست. در اغلب موارد، دلایل متعددی- با هم- منجر به پدیده ورشکستگی می‌شوند اما طبق تحقیقات؛ دلایل اصلی ورشکستگی مشکلات مالی و مدیریتی است. با بررسی دقیق روند خصوصی‌سازی در ایران و موارد عملی و تجربیات متعدد وکالت در پرونده‌های مربوط به شرکت‌های تجاری، به نکات جالبی در این زمینه پی برده شده است. به طور کلی، ورشکستگی را می‌توان در ۳ حالت؛ عادی، به تقصیر و به تقلب تقسیم کرد.

**الف- ورشکستگی عادی:** برابر مواد ۴۱۲ و ۴۱۳ قانون تجارت، کسی ورشکسته عادی محسوب می‌شود که تاجر یا شرکت تجاری بوده و از پرداخت وجوهی که برعهده دارد متوقف شود و ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در ادای قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده باشد، توقف خود را به دفتر دادگاه عمومی محل اقامت خود اظهار کرده و صورت‌حساب دارایی و همه دفاتر تجارتی خود را به دفتر دادگاه مزبور تسلیم کند.

**ب- ورشکستگی به تقصیر:** براساس ماده ۵۴۱ قانون تجارت، موارد چهارگانه الزامی صدور حکم ورشکستگی به تقصیر، عبارتند از: ۱- «مخارج شخصی یا مخارج افراد تحت تکفل تاجر در ایام عادی به نسبت عایدی او فوق‌العاده شود؛ ۲- تاجر مبالغ زیادی از سرمایه خود را صرف معاملاتی کند که در عرف تجاری موهوم بوده یا سودآوری این معاملات منوط به اتفاق محض باشد؛ ۳- تاجر به منظور به تأخیر انداختن ورشکستگی خود، خریدی گران‌تر یا فروشی ارزان‌تر از قیمت روز کند و برای به دست آوردن وجه نقد به روش دور از صرفه متوسل شود، مثل استقراض یا صدور برات سازشی و…» ۴- تاجر

شود، گنگره باید فشار بر ایران برای تغییر رفتارش را افزایش دهد و فروش هواپیما به این کشور را به تغییرات محسوس در رفتارهایی که وضع تحریم را در پی داشته، گره بزند.»

۲- **نرمالیزه کردن رفتار ایران**

هنجاری و عادی شدن ایران، یکی دیگر از الگوهای رفتار آمریکا‌در برابر کشورمان است.نرمالیزه کردن بربند تا به‌واسطه همین شرمندگی بین‌المللی، و بعد رسانه‌ای آمریکا مطرح شد و سپس وارد محافل دیپلماتیک شد. منظور از هنجاری شدن، پذیرش قواعد نظام بین‌الملل توسط کشور هدف و کنار گذاشتن آرمان‌هاست. بر همین اساس، «وباما» در سخنرانی سال گذشته خود در سازمان ملل، از کنار گذاشتن شعار «مرگ بر آمریکا» توسط ایرانیان صحبت کرد و به صراحت گفت: «مردم ایران تاریخ پرافتخاری دارند و ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای دارند، اما سر دادن مرگ بر آمریکا شغل ایجاد نمی‌کند و برای ایران امنیت بیشتری به همراه نمی‌آورد.»

«جان کری» نیز در پاسخ به سوال خبرنگار بی‌بی‌سی می‌گوید: «فکر می‌کنم همه می‌توانند با تغییر لحن و کم کردن از شعارها شروع کنند. اول از همه شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل». روزنامه «وال‌استریت ژورنال» در یادداشتی به قلم «رت استستونز»، با عنوان «عادی‌سازی ایران» (Normalizing Iran) صراحتاً اعلام می‌دارد ایران فقط زمانی کشوری «عادی» خواهد شد که دیگر جمهوری اسلامی نباشد. نویسنده در این یادداشت، «بهترین راه مرتفع کردن بدبینی‌ها در طی زمان» را «از بین بردن نفوذ تندرهای ایرانی، تعامل هر چه بیشتر با میانه‌روها و نمایش حداکثر انعطاف‌پذیری دیپلماتیک» دانسته‌است.

این همان چیزی است که ساراک اوپاما بامداد شنبه، یکم آوریل / چهاردهم فروردین، در حاشیه نشست امنیت هسته‌ای در واشنگتن نیز به آن اشاره کرده و گفته بود: «ایران باید آن چیزی که هر کشور دیگری در دنیا می‌فهمد را درک کند و آن اینکه شرکت‌های می‌خواهند جایی بروند که احساس امنیت بکنند؛ جایی که شاهد مناقشات گسترده نباشند؛ جایی که بتوانند مطمئن باشند مبادلات طبق روال معمول انجام می‌شود و این هم سازگاری‌ای است که ایران باید آن را انجام دهد.»

بنابراین آمریکا‌یی‌ها بسیار تلاش می‌کنند وانمود کنند رفتار ایران در دوره پس‌اِبرجام باید متناسب با استانداردهای بین‌المللی مورد قبول آنها باشد.

۳- **ایدئولوژی‌زایی از رفتار ایران**

آمریکایی‌ها پروژه مهار قدرت نرم را از ۲ مسیر ایدئولوژی‌زاییی از رفتار ایران (از منظر محتوای انقلاب اسلامی) و کنترل رفتار امنیتی تهران (در

رفتار آمریکا در برابر ایران یک سال بعد از برجام

# همیشه دشمن

- رضا رحمتی\*

بُعداستراتژیک آن) پیش می‌برند. یکی از برنامه‌هایی که آمریکا‌یی‌ها در یک سال اخیر بشدت به‌دنبال آن بودند، روند «انقلاب‌زایی» از رفتارهای ایران در منطقه است. به‌عبارتی آمریکا‌یی‌ها در راستای همان گزاره نرمالیزه کردن رفتار ایران، به دنبال این هستند تا بخشی از بدنه نظام را به‌سمت «شرمندگی بین‌المللی» (Shaming) بابت رفتارهای انقلابی ایران بربند تا به‌واسطه همین شرمندگی بین‌المللی، ایران دست از حمایت از محور مقاومت بردارد. این موضوع در اظهارات جان کری نیز نمود داشته است. وی فروردین ۹۵ در دیدار «خالدبن احمد آل‌خلیفه»، همتای بحرینی خود در منامه، هدف باراک اوپاما، رئیس‌جمهور آمریکا‌از دیدار با‌سرن کشورهای عرب خلیج‌فارس را در نشست «کمپ‌دیوید»، بررسی چگونگی حرکت پس از توافق هسته‌ای و دنبال کردن «تغییر رفتارهای ایران در رابطه با فعالیت‌های دیگر تهران» بویژه در منطقه اعلام کرد.

«جان کری»، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در پاسخ به فشار روانی آمریکا بر ایران، اظهار داشت: «آنچه شاید به برداشته شدن برخی از این بقایای جو روانی کمک کند، توقف فعالیت‌های ثبت‌زدای ایران خواهد بود؛ اقداماتی که آنها همچنان ادامه می‌دهند.» «دام زوبین» معاون موقت وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور اطلاعات مالی و امور تروریسم، شهریور ۹۴ در بخشی از اظهارتش در نشست رأی اعتماد گفت هر کدام از بانک‌های ایرانی که از تخفیف تحریمی وقف‌سند برجام برخوردار می‌شوند، در صورت کشف شواهدی از حمایت از حزب‌الله لبنان یا نیروهای سپاه قدس، مجدداً تحریم خواهند شد. «باید ببینیم ایران چگونه رفتار می‌کند، اما انتخاب با آنهاست.» در سطحی دیگر، سخنگوی کاخ سفید طی اظهارنظری در ۸ تیر ۹۵ بیان داشت: «گر ایران می‌خواهد به بازارهای بین‌المللی دسترسی داشته باشد، باید رفتارهای خود را کنترل کند.» از نظر آمریکا‌یی‌ها، رفتار ایران در منطقه باید مهار و کنترل شود و این موضوع بدون فشار از طریق تحریم‌ها علیه ایران ممکن نخواهد بود؛ چراکه آمریکا‌یی‌ها به‌خوبی از کارآمدی تحریم‌ها نزد برخی نخبگان ایران مطلع هستند.

۴- **حفظ وضعیت هشدار برای مبادلات تجاری و اقتصادی**

یکی دیگر از تکه‌های مدل آمریکا برای رفتار با ایران، حفظ ایران در وضعیت هشدار برای کشورهای دیگر و شرکت‌های بین‌المللی اقتصادی است. آمریکا‌یی‌ها برای نیل به این مهم، از حربه «خطر سرمایه‌گذاری» بهره جستند. آنها برای عملی کردن تز خویش، از رفتارهای ایران به‌عنوان عامل تهدیدزا در منطقه یاد می‌کنند و از یک‌سوا اجازه

سرمایه‌گذاری به شرکت‌های بین‌المللی نمی‌دهند و از دیگر سو، دلیل عدم ورود شرکت‌های بین‌المللی را ریسک بالای سرمایه‌گذاری در ایران قلمداد می‌کنند. آمریکا‌یی‌ها فضا را تا حدی مسموم کرده‌اند که بسیاری از اروپایی‌ها اظهار داشتند: «تحریم‌ها برداشته شده است، اما هیچ چیز هنوز روشن نیست.»

«جان اسمیت»، مدیر «دفتر کنترل دارایی‌های خارج» (OFAC)، وابسته به وزارت خزانه‌داری آمریکا، ۱۴ فوریه/ ۲۵ بهمن، در اظهارنظری در جمع نمایندگان کنگره ایالات‌متحده آمریکا بیان کرد: «دفتر کنترل دارایی‌های خارج آمریکا» (OFAC) همچنین درباره محدودیت‌های شرکت‌های تجاری در مراده با ایران عنوان داشته است که «آنها (شرکت‌های تجاری) باید اطمینان یابند هیچ پرداخت یا تراکنشی به دلار که مرتبط با ایران باشد، از طریق مؤسسات مالی آمریکا‌یی صورت نمی‌گیرد». در بالاترین سطح نیز اوپاما در حاشیه نشست امنیت هسته‌ای در واشنگتن، در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره ایران بیان کرد: «ایران تاکنون متن توافقی را رعایت کرده است، اما روح توافق مستلزم این است که ایران به جامعه جهانی و شرکت‌ها سیگنال‌هایی بفرستد مبنی بر اینکه اقدام به انجام طیفی از اقدامات تحریک‌آمیزی که شرکت‌ها را هراسان می‌کند، نخواهد کرد.» این موضوع حتی سروصدای برخی از اروپایی‌ها را نیز به‌دنبال داشته است؛ تا جایی که «یورونیوز» نوشت: «با وجود ایفای تعهدات مندرج در برجام از سوی ایران و لغو یا تعلیق بخش بزرگی از تحریم‌های بین‌المللی و یکجانبه علیه تهران، بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی کماکان از ورود به بازار این کشور اجتناب می‌کنند. این نهادهای عمدتاً نگرانی از مواجهه با تحریم‌های غیرهسته‌ای آمریکا علیه ایران را به‌عنوان دلیل عدم معامله با این کشور توصیف‌می‌کنند.»

■ **نتیجه‌گیری**

مجموع مدل‌های رفتاری آمریکا در برابر ایران نشان‌دهنده این است که آمریکا‌یی‌ها نه‌تنها تعهدات‌شان در قبال ایران را- که طی برنامه جامع اقدام مشترک، ملزم به اجرای آن بودند- اجرا نکردند، بل رفتار خصمانه خویش در قبال ایران را همچون ۲۷ سال گذشته و بلکه با قوت و سازمان‌دهی بیشتر و دقیق‌تر به پیش می‌برند و به نظر نمی‌رسد خصومت آنها تقلیل یابد. بنابراین لازم است برای احقاق حق مردم ایران، منطق عقاقله و مشخصی برای رفتار در قبال بدهدیی‌های آمریکا‌یی‌ها شود. «**دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل منبع: khamenei.ir**

کارخانجات تزریق شود و نه توسعه‌ای صورت گیرد. اقدامات سازمان خصوصی‌سازی در عدم رسیدگی به کارخانجات سبب شده مرگ آنان فرا رسد تا قیمت آن به صورتی پایین آید که واگذار شود و عملاً کارخانه تعطیل شده را بفروشند!

۲- چون برخی کارخانجات را در لیست واگذاری قرار داده‌اند، اجازه هیچ‌گونه کمک مالی به کارخانه را نیز نمی‌دهند

۳- واگذاری به کسانی که از قبل مشخص است هیچ تحریر و تجربه‌ای در این باره ندارند و عملاً پس از مدت کوتاهی، شرکت را به نابودی می‌کشاند.

۴- واگذاری به کسانی که منابع مالی لازم برای خرید را نداشته و بدون هیچ توجیهی در مزایده شرکت و اتفاقاً برنده شده‌اند. برای مثال، کارخانجات چیت‌سازی بهشهر، در مزایده به کسی واگذار شد که صرفاً با یک برگ چک و بدون هیچ پشتوانه مالی، وارد مزایده و خریدار اعلام شد. وی به‌دلیل عدم امکان پرداخت ثمن معامله، مجبور به فروختن تمام دستگاه‌ها و حتی قطعه‌بندی زمین‌های شرکت شده و با چندین میلیارد سود- بدون پرداخت پولی- موجبات ورشکستگی شرکت را بعد از قریب ۶۰ سال سابقه کاری و حدود ۲۵۰۰ کارگر فراهم آورد! جا دارد از مدیران ارشد استان مازندران بویژه استاندار وقت، نیز مسئولان امنیتی و بازرسی استان که یکی از وظایف آنان حفظ امنیت اقتصادی منطقه است، این موضوع مورد پرسش واقع شود.

سه- فرار از پرداخت دیون: یکی از روش‌های مرسوم برای فرار از پرداخت بدهی‌ها، اعلام اعسار است. اما چون اعسار از تاجر و شرکت‌های تجاری پذیرفته نیست، لذا با اعلام ورشکستگی، محاکم بناچار باید با اعسار این شرکت‌ها موافقت کنند و تزیبات و تشریفات خاصی را برای پرداخت در نظر گیرند. این موضوع برای پرداخت هزینه‌های دادرسی نیز متصور است.

نتیجه اینکه؛ روند غلط خصوصی‌سازی در ایران، عامل اصلی این فجایع است که مشکلات و مصائب آن متوجه کارگران این شرکت‌ها و خانواده‌های آنان شده است. این نکته را نباید فراموش کرد که دیگر زمان از مومن و خطا نپردازیم و باید با تجربیات گذشته، آینده را بسازیم، آن هم در شرایط جدید بین‌المللی که برای ایران رقم خورده است.

### لولوی سر خرمن!

حسن روانشید\* قدیم‌ها زیاد بود، امروز هم هنوز در بعضی از روستاها دیده می‌شود که با چوبی بلند تندیس صلیبی شکل ساخته و روی سرش کلاهی نهاده‌اند.از دستاش دو تکه پارچه ترجیحاً قرمز اویزان کرده و این ساخته بی‌جان دست بشر، درست وسط مزارع سرسبز کار گذاشته می‌شد تا پرندگان بویژه کلاغ‌ها به‌خیال اینکه آدمی ایستاده است، به‌سوی دانه‌ها و محصول ب‌دست‌آمده آن مزرعه نروند. شاید در عصر اینترنت پیش‌یافتاده و غیرقابل استفاده به نظر آید اما در زمان خود و در عمل معجزه می‌کرد و تأثیر فراوانی داشت!این تئوری موفق و ساده به مرور زمان به اموری دیگر از جمله سیاست و مملکت‌داری جهانی تسری نمود و در دیگر جوامع مدنی نیز رسوخ کرد. مجریان قوانین نیز مدل‌های مدرنیزه آن را سفارش دادند تا بتوانند وظایف‌شان را راحت‌تر انجام دهند. چراغ‌های دریایی یا چشمک‌زن‌های باند فرودگاه و اصولاً هر نوع وسیله‌ای که بتواند جای‌انسان زنده کاری را انجام دهد و بیشتر مؤثر باشد، در نهایت می‌تواند نوعی لولوی سر خرمن را تداعی کند! چراغ‌های راهنمایی و راهننگی و تابلوهای آن همراه با دوربین‌های ثبت جرائم و نگهبانان ساختمان‌ها و مجموعه‌های غیردولتی و غیرانتظامی که به‌روایتی لباس‌های‌شان شباهت زیادی به مأموران نیروی انتظامی دارد، از این جمله است. شاید بتوان ادعا کرد سازمان امور مالیاتی کشور یکی از بزرگ‌ترین استفاده‌کنندگان از سمبل لولوی سر خرمن در امور جاری خود است که قانر است مؤذیان را ناچار کند در موعد مقرر اظهارنامه خود را همراه با مالیات ابرازی ارائه دهند. این مترسک‌نوظهور باعث شده همه ساله در پایان تیرماه رقم کلانی به خزانه بانک ملی ایران سرسازیر شود و ترافیک کم‌ظنطیری در سایات این سازمان به وجود آید اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود که پس از آن به سراغ یک‌به‌یک مؤذیان رفته و خواهان دفاتر قانونی آنها می‌شوند و رقم‌های جدیدی را برای‌شان تعیین و تبیین می‌کنند و در کمال رشادت و شجاعت حضور لولوی سر خرمنی را تحت عنوان اظهارنامه مالیاتی نادیده می‌گیرند که این درست همان ترس از لولوهای سر خرمن‌ جایز است که برندگان با اینکه می‌دانند این مترسک یک موجود بی‌جان و ناتوان است اما از آن حذر کرده و از آن تمکین می‌کنند و در این میان هزاران میلیارد تومان توسط بربندگان که این مترسک را دور می‌زنند، جابه‌جا می‌شود! در لایه‌لای قوانین جاری دستگاه‌های دولتی یا وابسته به دولت مصوباتی وجود دارد که لولوی کهنی و عتیقه‌بودن آنها از چند فرسخی به منام می‌خورد که بعضی از آنها یادگاری تلخ از رژیم گذشته است، یا اگر مربوط به این دوران هستند توسط بعضی ناظران بر قوانین، غیرشرعی شناخته شده‌اند!اگرچه رسماً اجرا نمی‌شود اما هنوز به‌صورت مترسک و لولوی سر خرمن در لایه‌لای اسناد و مدارک خودنمایی و ایجاد وحشت می‌کنند! این اسناد و مدارک قوانین می‌توان طومار‌ها نوشت اما مشت نمونه خروار است، سازمان تأمین اجتماعی از ارگان‌هایی است که خود را متکی به قانون مدنی می‌داند و همچون امور مالیاتی و بلکه قوی‌تر از آن عمل می‌کند و مطالبات خود را از کارفرمایان ناکم در هر صنف، مسلک و موقعیتی که باشند، دریافت می‌کنند. مسئولان آن معتقدند چشم فرشته عدالت بسته است و تنها به اجرای قوانین می‌اندیشد اما نمی‌گویند استخوان لای زخم گذاشتن، تمکین در مقابل قانون نیست بلکه نوعی به زانو درآوردن کارفرما برای تسلیم در برابر برگ‌های تشخیص این ارگان است!ا دفتر ثبت اسناد و املاک طبق قانون برای هر‌گونه نقل‌وانتقال، نیازمند گواهی تسویه‌حساب مالکان از این سازمان هستند که البته به وظایف قانونی خود عمل می‌کنند اما چگونه می‌شود ماده ۳۷ قانون تأمین اجتماعی را که از عتیقه‌های دوران گذشته بجا مانده و گویا از طریق شورای نگهبان نیز اجرای آن غیرشرعی تشخیص داده شده، در سرفصل‌های خود داشته باشند و هرکس برای دریافت «مفصاحساب» مراجعه می‌کند، صدور گواهی را منوط به پرداخت آن کنند؟ وقتی مالکی یک واحد از مجموعه خود را برای تأمین معاش به شرکت یا کارگاهی اجاره داده و مستأجر پس از یکی- دو سال به دلایل مختلف کار را تعطیل می‌کند و بدهی‌های خود را از بابت اجاره، هزینه آب و برق و گاز و… پرداخته و ملک را تحویل مالک می‌دهد، در حقیقت رابطه حقوقی این دو قطع شده است اما پس از چند سال که صاحب‌ملک قصد فروش یا تغییراتی را دارد، با بست‌بستن این سازمان و قوانین مربوط روبرو شده که از مالک می‌خواهند حق بیمه و جزیام به‌جمله‌اند، مستأجر را که حالا رقم کلانی شده پرداخت کند! در صورتی‌که اگر در زمان فک رهن یا اجاره هم همچون آغاز کار مالک و مستأجر، مجبور بودند به دفاتر اسناد رسمی مراجعه کنند، مفصاحساب‌های مربوط دریافت و پرونده برای همیشه بسته می‌شد و اینگونه قوانین فریزشده عهد دقیانوس نمی‌توانست مالکان را از هستی ساقط کند! لولوهای سر خرمن را کنار بگذارید و با مردم شفاف برخورد کنید تا دادگاه‌ها خلوت‌تر شود!

\***روزنامه‌نگار پیشکسوت**